اخبار برگزیده

سینمای مستقل به الگوی متناسب نیاز دارد

چهارمین نشست «فیلم‌پژوهی» با بررسی فیلم «صداها» ساخته فرزاد مؤتمن، عصر سه‌شنبه ۳ آذر توسط انجمن مدرسان سینما با همکاری خانه هنرمندان ایران و خانه سینما برگزار شد. در این نشست رامین حیدری‌فاروقی با موضوع «فلسفه، هنر و تصویر صدا»، بهنام حسینی با موضوع «روایت پازلی شبکه‌ای-کانونی با کرونولوژی معکوس در فیلم صداها»، مسیح نوروزی با موضوع «قتل کیتی جنوویز و فیلم صداها» و مجید دهقان با موضوع «نور و رنگ به مثابه عناصر دراماتیک فیلم صداها» به ارائه دیدگاه‌های پژوهش‌محور خود پرداختند.

مؤتمن کارگردان فیلم «صداها»، با اشاره به شکل روایت اثر توضیح داد: از ابتدا قرار بر این بود داستان به صورت معکوس روایت شود، چراکه اگر قرار بود قصه به شکل خطی پیش برود، تماشاگر فقط با یک فیلم کارآگاهی یا قتل ناموسیِ تکراری و ملال‌آور روبه‌رو می‌شد.

او با اشاره به شکل‌گیری ایده اولیه فیلم عنوان کرد: این اثر برخلاف سینمای کلاسیک، فیلم شخصیت‌پردازی نیست، بلکه فیلمی است که بر پایه ایده و موقعیت شکل گرفته است و گسترش می‌یابد. پیش از نگارش فیلم‌نامه، در گفت‌وگو با سعید عقیقی و با الهام از فیلم «انفجار» به کارگردانی برایان دی پالما که در آن قتل در قالب صدا ضبط می‌شود به این فکر کرده بودیم چطور می‌توان داستانی بر مبنای شنیدن یک قتل و نه دیدن آن روایت کرد.

سعید عقیقی، فیلم‌نامه‌نویس فیلم «صداها» نیز با تأکید بر اینکه فرم می‌تواند معنا را تعریف و خلق کند، درباره نحوه شکل‌گیری فیلم‌نامه توضیح داد: این اثر بر اساس بازی با فرم‌های کلاسیک ساخته نشده است. کار روی ایده فیلم را از اواخر دهه ۱۳۷۰ آغاز کرده و آن را بر اساس یک جدول مشخص، شامل ۱۰ سکانس و سه خط داستانی برای سه طبقه آپارتمان به همراه یک خط مربوط به رؤیا، طراحی کرده‌ام.

به گفته او، این ساختار پیچیده برای خلق معنایی نمایشی انتخاب شده است و فیلم‌نامه تلاش می‌کند از شیوه‌های متظاهرانه مانند سیاه‌وسفیدکردن فیلم برای متفاوت‌شدن پرهیز کند.

عقیقی با اشاره به علاقه‌اش به بازی‌های فکری نظیر شطرنج و تخته‌نرد توضیح داد: ویژگی اصلی این بازی‌ها در پیش‌بینی‌ناپذیربودن کنش‌ها و نقش احتمال‌هاست. در این فیلم‌نامه، همه چیز بر اساس یک ساختار مهندسی‌شده پیش می‌رود، به‌طوری‌که اگر تماس تلفنی در لحظه پایانی دیرتر برقرار می‌شد، اگر آن درگیری رخ نمی‌داد یا اگر اتفاق‌های دیگر جور دیگری رقم می‌خورد، سرنوشت آدم‌ها تغییر می‌کرد.

او با تأکید بر اینکه عامدانه تمایلی به ورود عمیق به دنیای ذهنی کاراکترها نداشته است، توضیح داد: شخصیت‌های فیلم چندان آرمانی یا همذات‌پنداری‌پذیر نیستند و قرار نیست مخاطب لزوما با آنها شادی یا غم را تجربه کند، بلکه جذابیت کار در موقعیت ملموسی است که فیلم‌نامه فراهم می‌کند. عقیقی تأکید کرد سینمای مستقل واقعی باید مدلی متناسب با امکاناتش تعریف کند.

فیلم‌نامه‌نویس «صداها» در پایان با اشاره به چالش‌های تدوین و همکاری با بهرام دهقان و فرزاد مؤتمن برای رساندن زمان فیلم به استاندارد ۹۰ دقیقه، از دشواری‌های تولید در سینمای مستقل گفت.

«اودیسه» پیشتاز جوایز انتخاب منتقدان شد

با انتشار فهرست سی‌ودومین دوره جوایز انتخاب منتقدان، دور جدید رقابت‌های سینمایی برای خیزبرداشتن به سوی اسکار شروع شد و در این میان «اودیسه» یونیورسال با ۱۱ نامزدی در صدر فهرست قرار گرفت. این فیلم که برمبنای شعر حماسی هومر ساخته شده و اولین فیلم بلندی است که به تمامی با دوربین‌های آی‌مکس فیلم‌برداری شده است، موفق شد در هر ۱۱ بخش هنری، از فیلم‌برداری هویته ون هویتما و انتخاب لباس الن میرونیک گرفته تا انتخاب بازیگران توسط جان پاپسیدرا به فهرست راه یابد. فقط در بخش بازیگر/هنرپیشه جوان بود که این فیلم موفق به کسب نامزدی نشد. جوایز انتخاب منتقدان در ۱۲ بخش از فیلم‌برداری و تدوین گرفته تا طراحی تولید و موسیقی، همراه با انتخاب بازیگران و گروه بازیگران، طراحی صدا و بدلکاری -سه بخشی که از فصل گذشته به فهرست افزوده شد- را دربر می‌گیرد. رأی‌گیری با رأی بیش از ۵۰۰ عضو این سازمان انجام می‌شود و هر بخش هنری شش نامزد و بخش بهترین فیلم ۱۰ نامزد را شامل می‌شود. فیلم علمی-تخیلی «تل‌ماسه: قسمت سوم» از برادران وارنر که از ۱۸ دسامبر اکرانش شروع می‌شود و فیلم اسپانیایی «توپ سیاه» از نتفلیکس، هریک با هشت نامزد، در رتبه‌های بعدی جای گرفتند. فیلم «گودزیلا منهای صفر» و فیلم استاپ‌موشن «وایلدوود» نیز در هفت بخش نامزد شدند و «پروژه سلام مریم» و «وروولف» هریک شش نامزدی به دست آوردند. این جوایز در بخش بهترین طراحی تولید، فیلم‌برداری، طراحی لباس، تدوین، مو و گریم، صدا، جلوه‌های تصویری، موسیقی، ترانه، بدلکاری، گروه بازیگران، بازیگر جوان برندگان خود را معرفی خواهد کرد. در مجموع، ۵۹ فیلم، ۱۴۴ جایگاه موجود در ۱۲ بخش فهرست را پر کرده‌اند. فصل گذشته، «گناهکاران» ساخته رایان کوگلر با ۱۳ نامزدی، پیشتاز بود. نامزدهای نهایی امسال ۴ دسامبر (۱۳ آذر) معرفی خواهند شد. جنل جیمز مجری مراسم اهدای جوایز است که ۳ ژانویه به صورت زنده پخش می‌شود.

روایت قصه سه فیلم‌ساز در سه جهان داستانی

فیلم سینمایی «آزردگان» به کارگردانی مهدی فرد قادری از روز چهارشنبه ۱۱ آذر در سینماهای منتخب «هنر و تجربه» اکران شد. فیلم سینمایی «آزردگان» به کارگردانی مهدی فرد قادری در جشنواره‌های بین‌المللی از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای، سنت‌لوئیس و کرالا حضور داشته و چندین جایزه بین‌المللی دریافت کرده است. لیلا زارع، محمد امین، فرخ نعمتی، رضا بهبودی، رؤیا جاویدنیا، هدیه آزیدهاک، محمدرضا داوودنژاد، مریم بوبانی و عطا ثروتی بازیگران اصلی فیلم «آزردگان» هستند. این فیلم با روایتی اپیزودیک، قصه سه فیلم‌ساز را در سه جهان داستانی به تصویر می‌کشد. مهدی فرد قادری پیش از این فیلم‌های بلند «جاودانگی» (۱۳۹۳) و «بی‌وزنی» (۱۳۹۷) را کارگردانی کرده است. او اخیرا فیلم سینمایی «فضای فاز» را در کشور اسپانیا ساخته است. فیلم‌های مهدی فرد قادری تاکنون در بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی به نمایش درآمده‌اند و موفق به دریافت جوایز مختلفی شده‌اند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

نگاهی به نمایش‌های روی صحنه در پایتخت

از تراژدی شکسپیر تا کابوس‌های انسان معاصر


صحنه‌ای از نمایش اختتام عشق به کارگردانی اشکان خلیلزاد عکس: عباس کوثری، شرق

بهناز شیربانی: این روزها نمایش‌های متنوع و متفاوتی روی صحنه سالن‌های پایتخت اجرا می‌شود. نمایش‌هایی با درون‌مایه‌های اجتماعی که مخاطبان بسیاری را به سالن‌های اجرا می‌کشاند و رونق سالن‌های تئاتر به واسطه همین اجراهای متفاوت، بیش از سابق شده است.

نمایش «شعبون جعفری» به نویسندگی، طراحی، کارگردانی و بازی محمدرضا آزادفرد در کارگاه نمایش این مجموعه اجرای خود را آغاز کرده است. پروژه نمایشی «بشنو» به عنوان آخرین پروژه از سه‌گانه‌های زهرا خیالی صبری در تئاترشهر روی صحنه رفته است. این پروژه نمایشی که با نگاهی متفاوت به اشعار مولانا و سفارش مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان تولیده شده، پیش از این در جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی شارلوبل‌مزی‌یر فرانسه (از معتبرترین رویدادهای نمایشی جهان در حوزه تئاتر عروسکی) نیز روی صحنه رفته بود. رها جهانشاهی مجری طرح، سعید زین‌العابدینی مدیر تولید، زهرا خیالی صبری و علی کوزه‌گر طراحان نور، رکسانا بهرام دستیار کارگردان، علیرضا قهرمانی آهنگساز، فرشید شفیعی طراح گرافیک، حسین عباسی اجرای فنی دکور، مائده ایزدی و ساغر فیروزآبادی اجرای نور و مدیران صحنه، فائزه خورشیدی و مائده ایزدی ساخت عروسک، کیارش مسیبی عکاس، علی انصاری نقاشی عروسک‌ها، فاطمه عباسی ساخت عروسک‌های سه‌بعدی و الهام فرهادی اجرای گریم گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند. در خلاصه این نمایش نوشته شده است: «بشنو» الهامی از حکایت‌های مولاناست، روایتی عروسکی و بی‌کلام درباره قفس، رهایی و جست‌وجوی آزادی؛ سفری تصویری به ژرفای سکوت و معنای زندگی. تماشاخانه سنگلج با نمایش «نقش بر آب» به نویسندگی و کارگردانی شهرام مسعودی، یکی از اجراهای قابل توجه این روزها را میزبانی می‌کند. «نقش بر آب» با حضور بازیگرانی چون رضا جهانی، الهه پورجمشید، بابک مولانا و شهرام مسعودی، موقعیتی را تصویر می‌کند که در آن آب همه‌جا را فراگرفته و آدم‌ها برای نجات خود و دستیابی به منفعت بیشتر به رقابت می‌پردازند. در تماشاخانه ایرانشهر، نمایش «وزارت آب» به نویسندگی مهام میقانی و کارگردانی مهرداد مصطفوی، از ۱۳ آبان روی صحنه رفته است. این اثر با بازی مجتبی پیرزاده و میلاد شجره، مخاطب را به شهری می‌برد که با بحران شدید کم‌آبی روبه‌رو شده و فقط یک مخزن آب برای ادامه حیات آن باقی مانده است. «هم‌دست» عنوان نمایش دیگری است که در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه است. این نمایش به نویسندگی آرزو خانجانی و کارگردانی شهناز نوروزی، موقعیتی مبتنی بر ورود یک میهمان ناشناس به یک میهمانی دوستانه را شکل می‌دهد. این ورود، مرز میان جهان واقعی و مجازی را به‌هم‌می‌ریزد و روابط میان شخصیت‌ها را با چالش مواجه می‌کند. نمایش با تکیه بر راز، غافلگیری و مناسبات میان افراد، به موضوعی می‌پردازد که در زندگی امروز بیش از گذشته اهمیت یافته است: نفوذ فضای مجازی به حریم خصوصی و تغییر شکل اعتماد میان انسان‌ها. اجرای این نمایش با ساعت اعلامی ۲۰:۴۵، یکی از گزینه‌های شبانه تماشاگران تئاتر در روزهای آذر است. نمایش «تن لش» به نویسندگی مهران مرادی و کارگردانی احمد بیگی، از ۲۷ آبان اجرای خود را در تماشاخانه دا آغاز کرده است. این اثر با تمرکز بر مفهوم زوال آگاهانه انسان، به شخصیتی می‌پردازد که میل به حرکت و تغییر را از دست داده است. موضوع این نمایش را می‌توان از منظر وضعیت انسان معاصر بررسی کرد؛ انسانی که گاهی در برابر شرایط پیرامون خود نه توان مقاومت دارد و نه انگیزه تغییر. چنین موقعیتی ظرفیت آن را دارد که به پرسشی فراتر از سرگذشت یک شخصیت تبدیل شود: آیا انفعال فردی نتیجه انتخاب است یا محصول شرایطی که امکان کنش را از انسان گرفته است؟ در تماشاخانه طهران نیز نمایش «چلاق آنیشمان» نوشته مارتین مک‌دونا، با ترجمه و کارگردانی سیدحمیدرضا حسینی، از ۲۷ آبان در سالن مدآ آغاز شده است. اما بی‌تردید یکی از نمایش‌های متفاوتی که این روزها می‌توان تماشای آن را به علاقه‌مندان تئاتر پیشنهاد داد، تازه‌ترین تجربه کارگردانی محمد مساوات، «منظومه پیامبر بدی‌ها» است؛ نمایشی که با الهام از تراژدی «مکبث» ویلیام شکسپیر، سراغ رابطه مکبث و لیدی مکبث می‌رود. مساوات در این اثر، به‌جای بازگویی تمام داستان شکسپیر، بر مناسبات پیچیده این زوج، وسوسه قدرت، اغواگری، تحریک به جنایت و عذاب وجدان پس از ارتکاب آن تمرکز کرده است. در این اجرا، نگار جواهریان در نقش لیدی مکبث و محمد مساوات در نقش مکبث ظاهر می‌شوند. اهمیت این اجرا از یک سو به بازگشت نگار جواهریان به صحنه تئاتر پس از چهار سال و از سوی دیگر به تجربه‌های اجرایی محمد مساوات برمی‌گردد؛ کارگردانی که در آثارش همواره به دنبال فاصله‌گرفتن از روایت‌های متعارف و تجربه شکل‌های متفاوتی از بیان نمایشی بوده است. نمایش «اختتام عشق» نوشته پاسکال رامبر، با کارگردانی مشترک او و اشکان خلیل‌نژاد، یکی دیگر از اجراهای قابل توجه تئاتر تهران است. این اثر در خانه تئاتر و موسیقی مستقل تهران روی صحنه رفته و از جمله تجربه‌های مهم در زمینه اجرای متون معاصر اروپایی به شمار می‌آید. «اختتام عشق» روایتی از پایان یک رابطه عاطفی است؛ اما نه از مسیر یک گفت‌وگوی معمول میان دو انسان که دیگر نمی‌توانند در کنار یکدیگر بمانند. رامبر با استفاده از ساختاری مبتنی بر دو تک‌گویی طولانی، امکان شنیدن دو روایت متفاوت از یک رابطه را فراهم می‌کند. در این ساختار، هر شخصیت جهان خود را بازگو می‌کند و مخاطب به‌تدریج با شکاف عمیقی مواجه می‌شود که میان دو انسان شکل گرفته است. این نمایش‌نامه نخستین‌بار در سال ۲۰۱۱ در جشنواره آوینیون فرانسه اجرا شد و پس از آن جوایز مهمی از جمله جایزه سندیکای منتقدان تئاتر فرانسه و جایزه بزرگ ادبیات نمایشی فرانسه را دریافت کرد. اجرای ایرانی این اثر با همکاری پاسکال رامبر و اشکان خیل‌نژاد شکل گرفته و از این نظر، فرصتی برای مواجهه مستقیم‌تر تئاتر ایران با تجربه اجرایی یکی از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر معاصر فرانسه را فراهم کرده است. در مجموعه تئاتر لبخند، نمایش «بادروبه‌های باروت» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی حمیدرضا آذرنگ، از سوم آذرماه در سالن شماره سه روی صحنه رفته است. ویژگی مهم این اجرا آن است که آذرنگ علاوه بر نویسندگی و کارگردانی، خود نیز به عنوان بازیگر در آن حضور دارد و عملا با یک اجرای تک‌بازیگرانه روبه‌رو هستیم. در خلاصه داستان این نمایش، پرسشی اخلاقی و تکان‌دهنده مطرح می‌شود: اگر روزی آخرین مورخ زمین بخواهد درباره انسان‌ها بنویسد، آیا تعداد کسانی که کشته‌اند اهمیت دارد یا اینکه در آخرین لحظه، زمانی که هنوز یک گلوله باقی مانده، چه کسی توانسته است شلیک نکند؟ «بادروبه‌های باروت» را می‌توان از جمله آثاری دانست که تلاش می‌کنند از طریق یک موقعیت نمایشی محدود، پرسشی گسترده درباره اخلاق و تاریخ انسان مطرح کنند؛ اینکه در جهانی که خشونت به امری عادی تبدیل شده، آیا هنوز امکان انتخاب دیگری وجود دارد؟

نگاهی به سریال «سرزمین اوباش»

قدرت در شمال لندن، خون به پا می‌کند

فرزانه متین: سریال «سرزمین اوباش» (MobLand) یکی از مجموعه‌های جنایی پلتفرم پارامونت‌پلاس است که با تکیه بر حضور بازیگران سرشناسی چون تام هاردی، پیرس برازنان و هلن میرن و با تهیه‌کنندگی اجرایی گای ریچی ساخته شده است. مجموعه‌ای که مخاطب را به دنیای زیرزمینی لندن می‌برد؛ جایی که دو خانواده قدرتمند خلافکار برای حفظ قلمرو و امپراتوری خود، وارد جنگی خونین می‌شوند و در این میان آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، قدرت، پول و وفاداری است؛ وفاداری‌ای که حتی در میان اعضای یک خانواده نیز چندان قابل اعتماد نیست. «سرزمین اوباش» به نویسندگی رونان بنت، نویسنده سریال «تاپ بوی»، در ۳۰ مارس ۲۰۲۵ از پارامونت‌پلاس پخش شد. جهان «سرزمین اوباش» سرشار از خشونت، شوخی‌های تلخ، خیانت و رقابت بر سر قدرت است. فصل اول سریال حول دو خانواده تبهکار هریگان و استیونسون می‌چرخد که هر دو در لندن نفوذ و قدرت زیادی داشته‌اند. خانواده هریگان به ریاست کنراد هریگان با بازی پیرس برازنان، یکی از خاندان‌های بانفوذ دنیای زیرزمینی است که تجارت مواد مخدر را اداره می‌کند. در مقابل، خانواده استیونسون به رهبری ریچی استیونسون قرار دارد. اختلاف این دو خانواده زمانی به اوج می‌رسد که تامی، پسر ریچی، پس از شبی که همراه اعضای خانواده هریگان بوده، ناپدید و این اتفاق بهانه‌ای برای آغاز جنگی تازه میان آنها می‌شود. در مرکز این ماجرا، هری دا سوزا با بازی تام هاردی قرار دارد؛ مردی که وظیفه‌اش حل‌وفصل مشکلات و بحران‌های خانواده هریگان است. او را می‌توان یک واسطه حرفه‌ای در دنیای خلافکاران دانست که وقتی اوضاع از کنترل خارج می‌شود، وارد میدان می‌شود تا مشکلات را به شیوه خودش حل کند. هری شخصیتی خونسرد، باهوش و خطرناک دارد و در عین حال تلاش می‌کند زندگی خانوادگی خود را از فعالیت‌های تبهکارانه‌اش جدا نگه دارد؛ تلاشی که البته چندان موفقیت‌آمیز نیست. همسرش جَن با بازی جوآن فراگت و دخترش از پیامدهای شغل او آسیب می‌بینند و به‌تدریج فاصله میان هری و خانواده‌اش بیشتر می‌شود. در سوی دیگر، کنراد هریگان با بازی پیرس برازنان قرار دارد؛ مردی که سال‌ها با خشونت و اقتدار بر خانواده و قلمرو خود حکومت کرده است. همسرش مِیو با بازی هلن میرن نیز یکی از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار مجموعه است. مِیو زنی جاه‌طلب، حسابگر و قدرت‌طلب است که در بسیاری از مواقع حتی از همسرش نیز خطرناک‌تر به نظر می‌رسد. او در واقع مغز متفکر بسیاری از تصمیم‌های خانواده است و تلاش می‌کند با استفاده از اختلافات میان فرزندان، موقعیت خود و خاندان هریگان را حفظ کند. فصل اول در ۱۰ قسمت ساخته شده و در کنار جنگ دو خانواده، به اختلافات درونی هریگان‌ها نیز می‌پردازد. کوین با بازی پدی کانسیدین، یکی از فرزندان کنراد، رابطه پیچیده‌ای با پدرش دارد و به‌تدریج درمی‌یابد در ساختار خانوادگی آنها چیزی فراتر از رقابت معمول میان اعضای یک خاندان جریان دارد. از سوی دیگر، ادی با بازی انسون بون نیز شخصیتی غیرقابل پیش‌بینی است که رازهایی درباره هویت واقعی پدرش در انتظار اوست. فصل دوم «سرزمین اوباش» از ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۶ پخش شد و در ۲۰ نوامبر با قسمت دهم به پایان رسید. این فصل نیز با ۱۰ قسمت، داستان را از جایی ادامه می‌دهد که خانواده هریگان پس از پیروزی بر رقیبان خود، با بحران‌های تازه‌ای روبه‌رو شده‌اند. این بار مسئله فقط جنگ با یک خاندان رقیب نیست، بلکه اختلافات درونی، جاه‌طلبی فرزندان و ورود دشمنان تازه، امپراتوری آنها را با تهدید جدی مواجه می‌کند. هری دا سوزا همچنان مهره اصلی خانواده است؛ مردی که باید میان وفاداری به هریگان‌ها و حفظ زندگی شخصی خود تعادل برقرار کند. کنراد و مِیو تلاش می‌کنند اقتدار خود را حفظ کنند، اما رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی کنراد و دخالت‌های همسرش، وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند. از طرف دیگر، فرانکی کوپر با بازی جانی فلین به عنوان یکی از رقیبان تازه، وارد داستان می‌شود و کت مک‌آلیستر (سفیر آمریکا در لندن) نیز با نفوذ سیاسی و قدرتی که در اختیار دارد، به یکی از مهره‌های مهم این جنگ تبدیل می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فصل دوم، پررنگ‌ترشدن اختلافات درونی خانواده است. کوین (پسر بزرگ خانواده) به‌تدریج به این نتیجه می‌رسد که می‌تواند جای پدرش را بگیرد و سرپرستی خانواده را برعهده داشته باشد. در مقابل، مِیو همچنان به ادی، پسر نامشروع کنراد امید بسته و تلاش می‌کند او را برای به دست گرفتن قدرت آماده کند. سرانجام این اختلافات به جایی می‌رسد که حتی هری نیز نمی‌تواند به‌سادگی میان اعضای خانواده میانجیگری کند. در قسمت پایانی فصل دوم با عنوان «ملکه مرده»، حمله‌های هماهنگ پلیس و فشار رقیبان، امپراتوری هریگان‌ها را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد. هری با یک معامله پیچیده موفق می‌شود کت مک‌آلیستر را وادار به عقب‌نشینی کند و نام خانواده را از زیر فشار تحقیقات بیرون بیاورد. اما درست زمانی که به نظر می‌رسد اوضاع دوباره تحت کنترل قرار گرفته، اتفاقی غیرمنتظره همه چیز را تغییر می‌دهد. ادی که تحت تأثیر میو قصد حذف هری را دارد، بمبی را در خودروی او کار می‌گذارد؛ اما در اثر یک اشتباه، بمب منفجر می‌شود و جَن در خودرو گرفتار می‌شود. سرنوشت او در پایان فصل همچنان نامعلوم باقی می‌ماند و هری در برابر خودروی شعله‌ور، با یکی از تلخ‌ترین بحران‌های زندگی‌اش روبه‌رو می‌شود.

جذابیت شخصیت‌ها فراتر از داستان

از نظر ساختار و ویژگی‌های اجرایی، «سرزمین اوباش» بیش از هر چیز بر بازی بازیگران و مناسبات پیچیده میان شخصیت‌ها تکیه دارد. تام هاردی با بازی کنترل‌شده و نگاه‌های سرد خود، به شخصیت هری وزن و اعتبار می‌بخشد. پیرس برازنان نیز در نقش کنراد، تصویری متفاوت از خود ارائه می‌دهد و هلن میرن با خلق شخصیتی جاه‌طلب و بی‌رحم، یکی از جذاب‌ترین بخش‌های مجموعه را شکل می‌دهد. البته سریال در برخی مقاطع گرفتار پیچیدگی بیش از اندازه داستان و تکرار الگوهای آشنای آثار گانگستری می‌شود و همه اتفاقات آن از منطق روایی یکسانی برخوردار نیستند. در ارزیابی این دو فصل، بازی تام هاردی و حضور درخشان برازنان و میرن را باید از نقاط قوت اثر دانست، در حالی که برخی از منتقدین معتقدند سریال با وجود بهره‌گیری از بازیگران مطرح، حرف تازه‌ای برای گفتن در ژانر جنایی ندارد و بیش از اندازه به الگوهای آشنای سینمای گای ریچی متکی است. در فصل دوم با گسترش مناسبات خانوادگی و ورود رقیبان تازه، فضای پیچیده‌تری پیدا می‌کند؛ هرچند همچنان خشونت و اتفاقات غیرمنتظره مهم‌ترین ابزار پیشبرد داستان هستند. در نهایت، «سرزمین اوباش» را می‌توان مجموعه‌ای درباره قدرت و مناسبات خانوادگی در دنیایی دانست که در آن هیچ رابطه‌ای از گزند منفعت‌طلبی در امان نیست. در این جهان، اعضای یک خانواده برای حفظ امپراتوری خود حاضرند یکدیگر را قربانی کنند و وفاداری تا زمانی معنا دارد که منافع مشترک از میان نرفته باشد. شاید مهم‌ترین ویژگی سریال همین نمایش تناقض میان مفهوم خانواده و مناسبات بی‌رحمانه دنیای تبهکاران باشد؛ جایی که حتی پیروزی نیز نمی‌تواند تضمینی برای بقا باشد. با توجه به آغاز تولید فصل سوم در ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶، به نظر می‌رسد ماجراهای خانواده هریگان هنوز به پایان نرسیده و سرنوشت هری دا سوزا و دیگر اعضای این خاندان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. هری دائم شخصیت‌اش را به چالش می‌کشاند، از این رو، این ویژگی در طولانی‌مدت از میزان تنش داستان کم می‌کند؛ چراکه مخاطب به‌تدریج به توانایی هری برای حل همه مشکلات اطمینان پیدا می‌کند. در مقابل، حضور هلن میرن در نقش مِیو از نقاط قوت مجموعه است. او به‌خوبی توانسته زنی را به تصویر بکشد که قدرت را نه صرفا به عنوان امتیازی خانوادگی، بلکه به عنوان بخشی از هویت خود می‌خواهد. مِیو برخلاف بسیاری از شخصیت‌های زن در آثار گانگستری، فقط در حاشیه تصمیم‌های مردان قرار ندارد و خود یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری بحران‌هاست. با این حال، شخصیت او نیز می‌توانست از پیچیدگی روان‌شناختی بیشتری برخوردار باشد و انگیزه‌هایش فراتر از میل به حفظ قدرت و کنترل خانواده مورد بررسی قرار بگیرد. نکته دیگر، خشونت پررنگ و گاه اغراق‌شده سریال است. خشونت در «سرزمین اوباش» به یکی از ابزارهای اصلی پیشبرد داستان تبدیل شده و تقریبا برای هر اختلاف و مشکلی، راه‌حلی خونین در نظر گرفته می‌شود. البته این مسئله با جهان تبهکاران و فضای داستان تناسب دارد، اما تکرار بیش از اندازه آن باعث می‌شود بخشی از تأثیرگذاری صحنه‌های خشن از بین برود. وقتی قتل و تهدید به اتفاقی روزمره تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌تواند همان شوک و تأثیر اولیه را بر مخاطب بگذارد. در مجموع، «سرزمین اوباش» بیشتر از آنکه یک اثر متفاوت و جریان‌ساز در ژانر گانگستری باشد، مجموعه‌ای سرگرم‌کننده با تکیه بر بازیگران مطرح و موقعیت‌های پرتنش است. سریال در ایجاد تعلیق، طراحی برخی روابط پیچیده و نمایش مناسبات قدرت موفق عمل می‌کند، اما در شخصیت‌پردازی و ارائه ایده‌های تازه همیشه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. شاید اگر سازندگان به‌جای افزایش مداوم تعداد بحران‌ها و غافلگیری‌ها، زمان بیشتری را به پرداخت شخصیت‌ها و پیامدهای روانی خشونت اختصاص می‌دادند، با اثری ماندگارتر روبه‌رو بودیم.

نگاه

ناگفته‌هایی از پرویز فنی‌زاده در «سفید ناب»؛ هنرمندی که ناشناخته رفت

مستند «سفیدِ ناب» ساخته فرناز تبریزی و پوریا نوری، در شصت‌وچهارمین برنامه از سلسله‌جلسات نمایش فیلم‌تئاترها در سینماتک خانه هنرمندان ایران و نخستین برنامه از سری سوم بسته «مستندهایی درباره تئاتر ایران»، عصر چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ به نمایش درآمد. نشست نقد و تحلیل این مستند با اجرای فرزاد فره‌وشی و با حضور پوریا نوری (کارگردان) و رامتین شهبازی (مدرس و منتقد تئاتر) برگزار شد. فرزاد فره‌وشی در این نشست با اشاره به شیوه روایت مستند «سفیدِ ناب» گفت: کمتر اثری دیده است که از این زاویه به پرویز فنی‌زاده بپردازد.

ناشناخته‌ماندن پرویز فنی‌زاده برای مخاطب

او ورود گروه سازنده به خانه فنی‌زاده و گفت‌وگو با همسرش را اتفاقی جالب دانست و افزود با وجود این دسترسی، بخش‌هایی از زندگی او همچنان برای مخاطب ناشناخته مانده است. حتی خانواده فنی‌زاده نیز اطلاعات چندانی درباره او در اختیار ندارند. رامتین شهبازی، مدرس و منتقد تئاتر، در این نشست گفت: «سفیدِ ناب» با انتخاب و نمایش بخشی از فیلم‌تئاتر «دیکته و زاویه»، «آن دیگری»بودن پرویز فنی‌زاده را نشان می‌دهد؛ اینکه انگار او از جنس آدم‌های دیگر نیست. این شاه‌بیت این مستند است درباره هنرمندی که نوع حضورش در تئاتر و سینمای ما متفاوت بوده است. البته آنچه خیلی دوست داشتم در این مستند به آن می‌رسیدم و کمی مغفول مانده، این است که چقدر پرویز فنی‌زاده یک بازیگر ذاتی بوده و عیارش از غریزه و قریحه‌اش آمده و تا چه حد یک بازیگر تکنیکی بوده است. وقتی حمید سمندریان دست می‌گذارد روی یک بازیگر و او را مطرح می‌کند، می‌دانیم مرحوم سمندریان چقدر روی تکنیک‌های بازیگری حساس بوده... شاید می‌شد راجع به این صحبت کرد که واقعا آقای فنی‌زاده جدا از سلوکش در زندگی و نوع نگاهش و مصائبش، چگونه تکنیک‌های بازیگری را به کار می‌برده است.

فره‌وشی با اشاره به تمرکز فیلم بر بازیگری و فعالیت‌های هنری فنی‌زاده گفت: مستند وارد جزئیاتی مانند پیشینه خانوادگی، نام پدر و مادر یا تعداد خواهر و برادرهای او نمی‌شود و تصمیم سازندگان این بوده که روایت را بر زندگی هنری‌اش متمرکز نگه دارند. «سفیدِ ناب» از نظر ساخت، استانداردهای یک فیلم پرتره را دارد.

او همچنین با اشاره به نمایش یکی دیگر از آثار پوریا نوری، «لعبت‌باز»، در بسته «مستندهایی درباره تاریخ تئاتر در ایران» گفت: تماشای «سفیدِ ناب» توانایی کارگردانی نوری را برایش پررنگ‌تر کرده است. پوریا نوری، کارگردان مستند «سفیدِ ناب»، با اشاره به روند ساخت این اثر گفت: مسیر و تکلیف این مستند از همان ابتدا روشن بود. به گفته او، بخشی از مصاحبه‌ها از قبل آماده بود و برای بخش‌های دیگر، گروه سازنده به سراغ چهره‌هایی چون مسعود کیمیایی و بهزاد فراهانی رفتند. در کنار آن نیز بخش‌های تحلیلی با حضور علی شمس در حوزه تئاتر و پوریا ذوالفقاری و سعید نوری در بخش سینما پیش رفت. نوری افزود: مستند «سفیدِ ناب» در اسفند ۱۴۰۰ پس از پخش با استقبال بسیار زیادی در فضای مجازی روبه‌رو شد. او این واکنش‌ها را نه صرفا به خاطر خود فیلم، بلکه نشانه‌ای از جایگاه ماندگار پرویز فنی‌زاده در حافظه جمعی مردم دانست و گفت: فنی‌زاده همچنان فردی است که در یادها مانده و نامش در انتخاب منتقدان همیشه جزء بالاترین‌ها قرار می‌گیرد.

ماندگاری پرویز فنی‌زاده با وجود عمر کوتاه این هنرمند

نوری تأکید کرد: ماندگاری پرویز فنی‌زاده در حالی شکل گرفته که عمر کاری این هنرمند چندان طولانی نبود و در سنین جوانی و حدود ۴۲سالگی از دنیا رفت. این کارگردان مستند بیان کرد: هنگام فیلم‌برداری متوجه شدم بسیاری از سینماگران، خاطرات و اطلاعاتی دارند که در گفت‌وگوهای رسمی‌شان کمتر به آنها می‌پردازند. همان‌طور که هایده غیوری، همسر پرویز فنی‌زاده، در مستند می‌گوید: فنی‌زاده حتی در خانه هم از نقش‌هایی که بازی می‌کرد حرف نمی‌زد؛ از جمله نقش مش‌قاسم در سریال «دایی‌جان ناپلئون».